

تحلیل عوامل اجتماعی و فرهنگی بازدارنده ارتباط کلامی

همسران در شهر تهران

راضیه رزمیان^۱، سید علی رحمانزاده^۲، ثریا احمدی^۳

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۷/۰۶، تاریخ تایید: ۰۰/۰۸/۰۷

DOI: 10.22034/JCSC.2021.539887.2466

چکیده

هدف از این پژوهش تعیین عوامل اجتماعی و فرهنگی بازدارنده ارتباط کلامی موفق در میان زوجین ناراضی از زندگی زناشویی در شمال شرق شهر تهران است. این مطالعه بارویکرد کیفی و ابزار داده بنیاد انجام شد. ۱۲ زن و مرد با نمونه‌گیری در دسترس و مصاحبه نیمه ساختاریافته و براساس ملاک‌های ورود به پژوهش تا حد اشباع نظری مطالعه شدند. براساس نتایج، در مدل نهایی، ارتباط کلامی ناموفق همسران، به عنوان مقوله مرکزی تعیین شد و ۳۰ مفهوم به دست آمد که این سی مفهوم در ۱۳ مقوله حاصل شد. شرایط علی باعث ضعف دل‌بستگی، ضعف اقتصادی و ضعف سلامت جنسی می‌شود. همچنین عوامل شخصیتی و عوامل فرهنگی به عنوان مداخله‌گر هستند و پیشینه فردی، هم‌کفو نبودن و پیشینه خانوادگی به عنوان زمینه‌ای محسوب می‌شوند. راهبردهایی که مصاحبه‌شوندگان ارائه داده‌اند، گفتگو، از خودگذشتگی، مطالعه و درمان، پیشرفت تحصیلی و اقتصادی بوده است. فروپاشی و طلاق قانونی یا عاطفی از آثار و پیامدهای ارتباط کلامی ناموفق می‌باشد.

واژگان کلیدی:

عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، ارتباط کلامی، ارتباط ناموفق، شهر تهران

1 R_razmian_pr@yahoo.com

دانشجوی دکتری، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۲ استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق (نویسنده مسئول)

salirahmanzadeh@yahoo.com

۳ استادیار جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی؛ soraya.ahmadi@gmail.com

۱. مقدمه

خانواده نخستین هسته اجتماع و اساسی‌ترین بنیان جوامع است که افراد هر اجتماعی در بستر آن رشد و نمو پیدا کرده، از آن طریق وارد جامعه می‌شوند. همچنین خانواده بستری مناسب برای شناخت ارزش‌ها و روند تغییر آنها در طی زمان بوده و نمونه‌ای خرد از جامعه کلان است (مهدی زاده، ۱۳۹۷: ۱۵۹). از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل سازنده میان انسان‌ها و برقرار بودن عشق به هم‌نوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است. ازدواج به عنوان عالی‌ترین و مهم‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی افراد همواره مورد توجه بوده است. صمیمیت کلید داشتن ازدواجی موفق و منبع مهمی برای شادی، احساس معنا و رضایت زناشویی به شمار می‌رود. صمیمیت فرایندی تعاملی و شامل ابعادی مرتبط به هم است. محور این فرایند، شناخت، درک، پذیرش، همدلی با احساسات فرد دیگر، قدردانی و پذیرش دیدگاه اوست. می‌توان گفت، بهترین شکل ارتباط در میان اعضای خانواده شکل می‌گیرد. ارتباط زناشویی هم عبارت است از فرایند تبادل اطلاعات به طور کلامی و غیرکلامی بین زوجین که شامل مهارت‌هایی برای تبادل الگوهای اطلاعات درون سیستم زناشویی است مهارت‌های ارتباطی به منزله آن است که به واسطه آن‌ها افراد می‌توانند درگیر تعامل‌های بین فردی و فرایند ارتباط شوند؛ فرایندی که افراد در طی آن، اطلاعات، افکار و احساسات خود را از طریق مبادله کلامی و غیرکلامی با یکدیگر در میان می‌گذارند (جابری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۴). ارتباط تنها و مؤثرترین شیوه‌ای است که می‌تواند در رابطه‌ای به صمیمیت، عمق ببخشد؛ چه از طریق همسر و خانواده و چه از طریق دوستان باشد. اگر افراد برقرار کننده‌های خوب ارتباط باشند، همه جنبه‌های زندگی آن‌ها بهبود بخشیده می‌شود. از ارکان ازدواج موفق، توانایی زوجها برای برقراری ارتباط کارآمد با یکدیگر است. همسرانی که می‌توانند ارتباط واضحی با یکدیگر برقرار کنند، شانس بیشتری برای غلبه بر مشکلات و ماندن در کنار هم دارند. ارتباط زناشویی خوب و موفق با رضایت زناشویی، صمیمیت زناشویی، کیفیت زندگی، کیفیت روابط زناشویی، ثبات زناشویی و سلامت زناشویی مرتبط است (پیرساقی و همکاران، ۱۳۹۶). رفتار یک همسر در خلأ رخ نمی‌دهد، بلکه در رابطه با موضوعات، افراد و رویدادهای دیگر اتفاق می‌افتد. زوج‌های ناموفق اغلب در برخورد با مشکلات خود، یکدیگر را سرزنش می‌کنند و این در حالی است که بیشتر آن‌ها برای رویارویی موفقیت آمیز با چالش‌های بعد از ازدواج از مهارت‌های ارتباطی مؤثری برخوردار نیستند. خلق و تداوم یک رابطه زناشویی مطلوب نیاز به همکاری مشترک،

خلاقیت، نگرش متفکرانه و تلاش و تفاهم قابل ملاحظه‌ای دارد که بخش قابل توجهی از آن با آموزش پیش از ازدواج میسر می‌شود. ارتباط کلامی موفق و کارآمد می‌تواند طلاق‌های عاطفی و رسمی و بسیاری مشکلات و آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در میان زوجین و فرزندان را کاهش دهد. بنابراین کمبود و کاهش ارتباطات گفتاری و کلامی در بعد خانوادگی یکی از جدی‌ترین آسیب‌هایی است که در عصر جدید و با ظهور و بروز تکنولوژی‌های جدید، بسیاری از خانواده‌ها با آن‌ها مواجه شده‌اند و تکرار مداوم آن باعث گسستگی اعضای خانواده از هم، دوری و جدایی اعضا از هم و در نتیجه به بار نشستن طلاق عاطفی بر پیکره نظام خانواده می‌باشد. بنابراین مواجهه با این میزان آسیب بر پیکره نظام خانواده نشان می‌دهد که عدم توجه به ارتباطات کلامی و گفتاری و مهارت صحبت کردن در نظام و سطح کوچک (خانواده) می‌تواند در بعد وسیع‌تر (جامعه) نیز شیوع و گسترش یابد و ارتباطات انسانی را مختل کند و در نتیجه هرگاه بنیان نهاد خانواده دچار تزلزل شود، بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی کل نظام اجتماعی متزلزل شده و جامعه به سوی مشکلات گوناگون سوق داده می‌شود. پرداختن به عامل ارتباطات کلامی به عنوان راهگشای بسیاری از مشکلات حائز اهمیت است و در این پژوهش به این سؤال پاسخ داده می‌شود که چه عوامل اجتماعی و فرهنگی بازدارنده بر ارتباطات کلامی در همسران اثر می‌گذارد؟ پژوهش‌های متعددی در زمینه ارتباط کلامی و الگوهای ارتباطی انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: محمودپور و همکاران (۱۳۹۹)، پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زنان براساس ذهن آگاهی، الگوهای حل تعارض، حمایت اجتماعی ادراک شده و بهزیستی اجتماعی را مطالعه کردند. نتایج نشان داد که متغیرهای الگوهای حل تعارض، ذهن آگاهی، حمایت اجتماعی ادراک شده و بهزیستی اجتماعی با صمیمیت زناشویی رابطه معنادار دارند. این متغیرها در مجموع قادر به پیش‌بینی ۲۳ درصد از واریانس صمیمیت زناشویی بودند. اکبری گوآبری و همکاران (۱۳۹۸)، نقش سرمایه اجتماعی و روانشناختی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زوجین را مطالعه کرده‌اند. نتایج نشان داد بین نمره کل سرمایه اجتماعی و خرده مقیاس‌های مشارکت در جامعه محلی، عاملیت اجتماعی، احساس امنیت و اعتماد، تعاملات با خانواده و دوستان، تحمل تنوع، ارزش زندگی و تعاملات شغلی؛ و بین نمره کل سرمایه روانشناختی و خرده مقیاس‌های خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری و خوش‌بینی با صمیمیت زناشویی زوجین رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. میکائیلی و همکاران (۱۳۹۷)، نقش الگوهای ارتباطی خانواده، ساختار انگیزشی و انعطاف‌پذیری

روان‌شناختی در پیش‌بینی طلاق هیجانی زوجین شهر اردبیل را مطالعه کردند. برآیندها نشان داد که طلاق هیجانی با انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، ساختار انگیزشی انطباقی و الگوی ارتباطی گفت و شنود ارتباط منفی و معنی‌دار و با ساختار انگیزشی غیر انطباقی و الگوی ارتباطی هم‌نواپی ارتباط مثبت و معنی‌داری دارد. تحلیل رگرسیون نیز نشان داد ۴۵ درصد از واریانس طلاق هیجانی توسط متغیرهای ساختار انگیزشی، الگوهای ارتباطی خانواده و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی تبیین می‌شود. رحمانی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی نقش روابط کلامی-غیر کلامی در پیش‌بینی ترس از صمیمیت زوجین در بین ۳۱۰ نفر از زوجین مشهد پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بین ارتباط اولیه و خرده مقیاس‌های ارتباط کلامی و غیر کلامی با ترس از صمیمیت ارتباط وجود دارد. روابط بین زوجین بر روی رضایت و سازگاری زناشویی آنها تأثیر می‌گذارد و همچنین کیفیت رابطه توان پیش‌بینی قوی برای رضایت‌مندی زناشویی است. ارتباط و نحوه تعامل زوجین با یکدیگر در پیش‌بینی رابطه زوجین نقش مؤثری ایفا می‌کند. کردبچه و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی نقش الگوهای ارتباطی خانواده در پیش‌بینی خیانت زناشویی ۵۰ نفر از زنان شهر اصفهان پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که الگوهای ارتباطی خانواده، اجتناب متقابل و توقع/کناره‌گیری با خیانت زناشویی دارای رابطه معنادار است. همچنین نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون نشان داد که الگوهای ارتباطی خانواده به شکل معناداری خیانت زناشویی زنان را پیش‌بینی می‌کنند. رشیدی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق در کرمانشاه، پرداخته‌اند. نتایج نشان داد میان الگوی ارتباطی گفت و شنود و تمایز یافتگی با کیفیت زندگی رابطه مستقیم وجود دارد و هر دو متغیر الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود توان پیش‌بینی کیفیت زندگی را دارند. عسکری و همکاران (۱۳۹۴) رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره دادگستری کرمانشاه را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد بین الگوی ارتباطی گفت و شنود و تمایز یافتگی با کیفیت زندگی رابطه مستقیم وجود دارد و هر دو متغیر الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود توان پیش‌بینی کیفیت زندگی را دارند. جوادی و همکاران (۱۳۹۴) اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی و تعاملات عاطفی با رویکرد ارزش‌های دینی بر رضایت زناشویی را مطالعه کرده‌اند. تحلیل نتایج قبل و بعد از آموزش نشان داد که تفاوت بین میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش، در نمره رضایت زناشویی معنادار بوده است، اما

تفاوت معنادار بین نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه کنترل در نمره رضایت زناشویی به دست نیامد. همچنین تاثیر این آموزش پس از گذشت ۲ ماه نیز پایدار بود. لیوبا بن (۲۰۱۷) در کتاب ارتباطات کلامی و غیر کلامی در خانواده می نویسد، ارتباطات به معنای مبادله اطلاعات یا استفاده مشترک از نظام نمادها، نشانه‌ها و رفتارها، چه پیام نوشتاری یا گفتاری، یا یک نظامی از رویه‌ها، تکنیک‌ها برای انتقال موثر عقاید و اطلاعات تعریف می‌شود. ارتباطات همچنین با باعث انتقال اطلاعات از فردی به فرد دیگر همراه است. تارهان (۲۰۱۲) نیز در پژوهش جداگانه‌ای دریافت که حمایت اجتماعی ادراک شده توسط فرد، بر میزان امید، رضایت از زندگی و بهزیستی روانشناختی به طور مثبت تأثیر گذار است. سالیفو (۲۰۰۹)، نشان داد زوج‌هایی که از سبک‌های ارتباطی خوب و سالم برخوردارند، از روابط مطلوبی هم سود می‌برند. از سوی دیگر، بسیاری از تحقیقات تأیید می‌کنند که ارتباط و رابطه‌ی زوجی مناسب و رضایتبخش می‌تواند به میزان قابل توجهی کیفیت زندگی را ارتقا بخشد و احتمال مشکلات دیگر را کاهش دهد. پژوهش حاضر از چندین جهت با پژوهش‌های گذشته متفاوت است: ۱- تاکید بر ارتباط کلامی خانواده است، ۲- رویکر پژوهش کیفی است، ۳- نگاه به ارتباطات اجتماعی و جامعه شناختی است، ۴- تحلیل کیفی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر ارتباطات کلامی خانواده در مدل نظریه زمینه‌ای انجام می‌شود که با تحلیل علل و عوامل و شرایط مختلف پیدایش و آثار و نتایج و راهبردها همراه خواهد بود و پژوهش‌های گذشته با این روش به این موضوع نپرداخته‌اند.

۲. مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های ارتباط: بر اساس الگوی لسول^۱، ارتباط یک الگوی خطی و یک طرفه است که در آن، یک نفر بر دیگری تأثیر می‌گذارد. الگوی او شامل پنج پرسش بود که مجموعه کنش‌هایی را توصیف می‌کردند که ارتباط را تشکیل می‌دهند: (۱) چه کسی؟ (۲) چه می‌گوید؟ (۳) در چه مجرای؟ (۴) به چه کسی؟ (۵) با چه تأثیری؟. بعدها، کلود شنون^۲ و وارن ویور^۳ الگویی ارائه کردند که در آن، ارتباط عبارت از انتقال جریان اطلاعات از منبع به مقصد بود. آن‌ها در الگوی خود، «پارازیت» را به الگوی لسول افزودند (وود، ۱۳۷۹). پس از آن الگوهای تعاملی مطرح شد.

1 Laswell

2 Claude shanon

3 Warren weaver

این الگوها ارتباط را فرایندی می‌دانست که در آن شنوندگان نیز متقابلاً برای سخن‌گویان پیام می‌فرستند. «بازخورد» یا پاسخ‌دهی به پیام ویژگی اصلی الگوهای تعاملی است. مشهورترین الگوی تعاملی توسط ویلبر شرام^۱ مطرح شد که می‌گفت: پیام دهندگان پیام را در درون میدان شخصی تجربه خود، خلق و تفسیر می‌کنند. هر قدر میدان تجربه پیام دهندگان همپوشی بیشتری داشته باشد، طرفین منظور یکدیگر را بهتر می‌فهمند (Schramm, 1978, 205). همچنین سیلینسکا و همکارانش (۲۰۱۴) معتقدند که ارتباطات در سیستم خانواده تعاملی است، به این معنی که رفتار هر یک از افراد در این سیستم یک پیام کاملاً قابل درک - هم کلامی و هم غیر کلامی - برای یکدیگر است. در چنین شرایطی، ارسال و دریافت پیام‌ها در سیستم خانواده به طور همزمان در بین اعضا انجام می‌گیرد (Celińska-Miszczuk and Wiśniewska, 2014). الگوهای تبدالی الگوی دیگری است که شامل عامل زمان و سایر جنبه‌های ارتباط مثل پیام‌ها، پارازیت و میدان‌های تجربه می‌شود که ثابت نیستند و در طول زمان تغییر می‌کنند. در این الگو، بیان می‌شود که در ارتباطات میان فردی، همیشه پارازیت وجود دارد. ارتباطات میان فردی فرآیندی است که انتقال و دریافت پیام‌های کلامی و غیر کلامی از طریق آن صورت می‌پذیرد. (Chmielowska-Marmucka, 2015). در الگوی تبدالی، بر این نکته تأکید می‌شود که ارتباطات میان فردی یک فرایند دائم‌التغییر است. در الگوی تبدالی، طرفین ارتباط، لحظه‌ای پیام می‌فرستند و لحظه‌ای پیام می‌گیرند یا هر دو عمل را به طور همزمان انجام می‌دهند. در این الگو، نه کسی «فرستنده» و نه کسی «گیرنده» است؛ چرا که هر دو نفر پیام دهندگانی هستند که به یک اندازه در فرایند ارتباط شرکت می‌کنند و غالباً شرکت آن‌ها خودانگیخته و همزمان است. به دلیل آنکه پیام دهندگان پیوسته بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، ارتباطات میان فردی با الزام شدید اخلاقی پیوند می‌خورند. بر اساس الگوی تبدالی، رفتارهای کلامی و غیر کلامی ما می‌توانند موجب تقویت یا تضعیف روحیه دیگران شوند؛ همان‌گونه که رفتارهای کلامی و غیر کلامی آنان می‌توانند چنین حالاتی در ما ایجاد کنند (وود، ۱۳۷۹).

نظریه‌های خانواده: رنه کونیک^۲ مهمترین خصلت و مشخصه اصلی خانواده را رویارویی روابط و صمیمیت می‌داند و خانواده را گروهی که با احساسات شدید با یکدیگر در ارتباط هستند تعریف می‌کند. او از مفهوم نابسامانی نیز برای بیان روندی استفاده می‌کند که نمایشگر

1 Wilbur schramm

2 Rene Konique

اختلالات و روابط درونی و روابط گروهی خانواده است. در تعریف کلاسیک ارنست برگس^۱ از خانواده به عنوان گروهی خاص نام می‌برد که اعضای آن با احساسات شدید با یکدیگر در ارتباط هستند. به این ترتیب وی بر مهمترین خصلت گروه خانواده یعنی رویارویی روابط و جمعیت تأکید می‌کند. کولی^۲ برای خانواده مفهوم گروه اولیه را در نظر گرفت. هلموت شلسکی^۳ خانواده را به عنوان یک نهاد اجتماعی و به منزله تنها باقی مانده ثبات اجتماعی معرفی می‌کند. شلسکی مسأله‌ای به نام دوگانگی نظام اولیه و ثانویه را مطرح می‌کند. در این حالت خانواده در برابر نظام اجتماعی قرار دارد. زندگی فرد در جامعه نقطه مقابل زندگی خانوادگی است. زندگی در جامعه در برگیرنده همه چیز به غیر از خانواده است. زندگی در جامعه دارای قوانین خاص خود است. در این زندگی احساس و محبت جایی ندارد. بلکه در آن انضباط خشک و نظم کسالت‌آور و بی‌روح جهان خارج از خانه حاکم است. در صورتی خانواده دارای فضایی آکنده از احساسات مشترک و آرامش محیط انسانی و محبت است که در آن زندگی خصوصی یا زندگی انسانی تجلی می‌یابد. (اعزازی، ۱۳۸۱: ۷۶).

نظریه‌های عوامل اجتماعی و فرهنگی بازدارنده ارتباط: بولتن عنوان می‌دارد ارتباط نامؤثر موجب فاصله بین فردی عمیق می‌شود که در همه جنبه‌های زندگی تجربه می‌شود. پیامد فروپاشی ارتباط در اغلب موارد تنهایی، مشکلات خانوادگی، عدم صلاحیت و نارضایتی شغلی، فشار روانی، بیماری جسمی و ... خواهد بود. زندگی اغلب زوج‌هایی که امید دارند ازدواجی بارور داشته باشند به دلیل فقدان مهارت‌های لازم به یک رابطه موازی بدون صمیمیت می‌انجامد و هنگامی که ارتباط متوقف می‌شود، انرژی عشق به آزردهی و خشم تبدیل می‌شود و در نتیجه منازعه‌های فراوان، عدم علائق جنسی را موجب می‌شود (فولادی و همکاران، ۱۳۹۲). لذا توجه به الگوی ارتباطی بین زوجین به منظور تحکیم روابط و زندگی زناشویی بسیار حائز اهمیت است.

براساس نظریه زیمل صمیمیت میان افراد به تدریج شکل می‌گیرد، به مرور زمان افزایش پیدا می‌کند، از حالت تصنعی خارج می‌شود و در رفتارهای واقعی طرفین رابطه نسبت به هم بروز می‌یابد. افزایش این صمیمیت، نفوذ بیشتر افراد درهم و نزدیکی بیشتر میان آنها را به دنبال دارد. در نهایت افزایش نزدیکی میان افراد، به شناخت دقیق‌تر آنها از یکدیگر می‌انجامد. در این شرایط افراد به کوچکترین نشانه‌های رفتاری طرف مقابل واکنش نشان می‌دهند، گفتنی

1 Ernest Burgess

2 Gypsy

3 Helmut Schlesky

است افزایش صمیمیت بیش از هر چیز از طریق خودافشاگری (خودگشودگی) حاصل می‌شود (شاه محمدی، ۱۳۹۰: ۵۰).

نظریه پردازان نفوذ اجتماعی اعتقاد دارند که روابط میان فردی به شیوه‌ای تدریجی و قابل پیش‌بینی رشد می‌کند، نظریه نفوذ اجتماعی بیان می‌کند که خود افشایی روش اصلی برای پیشبرد روابط غیرصمیمانه و کم‌عمق به روابط عمیق و صمیمانه است. البته با وجود این که خودافشایی می‌تواند منجر به روابط صمیمانه‌تر گردد، ممکن است فرد را آسیب‌پذیر سازد (احمدی، ۱۳۹۵).

۳. روش پژوهش

در این تحقیق رویکرد اصلی کیفی و راهبرد یا ابزار اصلی نظریه داده بنیاد یا تئوری زمینه‌ای است. با استفاده از روش مشاهده میدانی پژوهشگران سعی کرده است با حضور در میدان مشاهده و حتی‌الامکان با حضور و درگیری طولانی مدت در جمع‌های خانوادگی و مشاهده مستقیم، اطلاعات را ثبت نمایند و داده‌ها را جمع‌آوری کند. در واقع روند شناسایی، ثبت و نام‌گذاری از آنچه روی می‌دهد را تداوم بخشند و با استفاده از روش مصاحبه، پژوهشگران سؤالاتی را طرح کرده و آن‌ها را به طریق مصاحبه حضوری از حجم نمونه انتخابی گفتگو و سؤال نمایند و پاسخ‌های آن‌ها را ثبت و اطلاعات را جمع‌آوری نمایند و با ایجاد جوی دوستانه و تحریک علاقه مصاحبه شونده و ارائه منظم سؤال‌ها به روند مصاحبه تداوم بخشند. با استفاده از سومین روش یعنی بررسی مدارک و اسناد کتابخانه‌ای سعی شده است داده‌های موجود در مطالعات گذشته، آمارهای رسمی و غیررسمی مدارک و اسناد سازمانی و منابع علمی مرتبط با موضوع استخراج شده، مورد بهره‌برداری قرار گیرند. محیط این پژوهش منطقه شرق و شمال شرقی تهران بوده است و جامعه آماری و قلمرو مطالعاتی این پژوهش زوجین راضی و ناراضی از زندگی ساکن در منطقه چهار شهر تهران هستند. براساس گستردگی حوزه مطالعاتی، تقلیل جامعه و محدود کردن سطح آن به خانواده‌های ساکن در منطقه چهار شهر تهران صورت گرفته و از میان آن‌ها حجم نمونه با اصل اشباع نظری انتخاب شدند. این تعداد از حجم نمونه با روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع تأییدی و غیرتأییدی و نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. با توجه به محدودیت‌های ناشی از کرونا بعضی از مصاحبه‌ها تلفنی انجام شده است. این مصاحبه‌ها از شرکت کننده اول تا نهایت نمونه ۱۲ در هر گروه ادامه یافته و با انتخاب این تعداد نمونه به نوعی به اشباع نظری مقوله‌ها دست پیدا شده است و به بیان دیگر مصاحبه‌ها تا زمانی که مقوله‌ها به اشباع نظری رسید ادامه پیدا کرده است. برای انتخاب دقیق تر شرکت کنندگان

معیارهای ورودی دیگری از جمله حداقل مدرک تحصیلی متوسطه، گذشت حداقل دو سال از زندگی مشترک، موفق بودن یا نبودن در برقراری ارتباط کارآمد خانوادگی و راضی بودن و یا راضی نبودن از زندگی زناشویی نیز در نظر گرفته شده است. در این پژوهش براساس ماهیت و رویکرد کیفی آن و استفاده از ابزار گزندتئوری یا داده بنیان برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه مرحله کدگذاری بر مبنای مقوله‌های استخراج شده از مطالعات مقدماتی استفاده شد. سه مرحله کدگذاری مقوله‌ها عبارتند از: کدگذاری باز: در این مرحله اولیه کدگذاری سعی شد مفاهیم درون مصاحبه‌ها و اسناد و مدارک براساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه بندی شوند و در نهایت سعی بر این است در این مرحله اطلاعات انبوه کسب شده از مصاحبه‌ها و اسناد درون مفاهیم و دسته بندی‌های مشخص تقطیع و خلاصه گردد. کد گذاری محوری: در مرحله بعد از کدگذاری باز یعنی در کدگذاری محوری سعی شد بین مقوله‌های تولید شده در مرحله کدگذاری باز ایجاد رابطه و ارتباط گردد، این مرحله فرایند نظریه پردازی را برای ما سهولت بخشید. در این مرحله یکی از مقوله‌ها به عنوان مقوله محوری و اصلی تعریف و دسته بندی شد و سایر دسته‌ها با این دست بندی اصلی، مرتبط گردید، - کد گذاری انتخابی: مرحله ی آخر کدگذاری در این پژوهش کدگذاری انتخابی است، در این مرحله سعی شد، براساس نتایج کدگذاری باز و محوری، مرحله اصلی یعنی نظریه پردازی صورت گیرد، به این صورت که در این مرحله مقوله محوری را به شکل نظام مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه دهیم و حتی در این مرحله مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند را اصلاح کنیم. برای سنجش اعتبار یافته‌های پژوهش حاضر، علاوه بر استفاده از منابع داده گوناگون، یافته‌ها با متخصصان، کارشناسان در حوزه علوم اجتماعی، در میان گذاشته می‌شود، یعنی نظارت متخصصان اعمال می‌شود. علاوه بر این، مقایسه یافته‌های پژوهش با برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی پیشین به افزایش اعتبار یافته‌های بررسی بسیار کمک کرد. در این پژوهش قابلیت اطمینان با بکارگیری روش‌های زیر افزایش می‌یابد: ذکر جزئیات مربوط به چگونگی گردآوری داده‌ها و نحوه تصمیم‌گیری‌ها و انجام مصاحبه‌ها با یک برنامه قبلی در یک فضای مناسب و رعایت شرایط مصاحبه با راهنمایی‌های لازم و به دور از سوگیری و اعمال نظر شخصی، ارایه فهرست و آمار و مشخصات مشارکت کنندگان، ثبت یادداشت‌های پژوهشگران و بازگرداندن نتایج ویرایش شده مصاحبه به مصاحبه شونده‌گان و گرفتن نظر آنان، ذکر جزئیات تفسیرها و تحلیل‌های طی شده در فرآیند پژوهش.

۴. یافته‌های پژوهش

نتایج توصیفی: نمونه مورد مطالعه شامل ۱۲ شرکت کننده (عزن و ۶ مرد) می باشد که از زندگی زناشویی ناراضی بودند. دامنه سنی مشارکت کنندگان از ۲۸ تا ۵۵ سال و طول مدت ازدواج از ۲ تا ۲۷ سال متغیر بود. ۴ نفر از شرکت کنندگان دارای ۱ فرزند، ۳ نفر دارای هیچ فرزند و پنج نفر نیز دارای ۲ فرزند بود. میزان تحصیلات شرکت کنندگان نیز از متوسطه تا دکتری متغیر بود.

نتایج تحلیلی: پس از استخراج شناسه‌های باز، در نهایت ۳۰ مفهوم به دست آمد. این مفهوم‌ها عبارت بودند از: وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی، بی مسئولیتی، فقر مالی، اختلاف اقتصادی، ارتباط غیر اخلاقی، ناآگاهی جنسی و عاطفی، بیماری روحی روانی، سابقه اعتیاد، تفاوت اقتصادی، تفاوت فرهنگی، تفاوت اقلیمی، داغ خانواده پدری، وابستگی به خانواده پدری، پرخاش، بی اعتمادی، دروغ، ترس از خیانت، تنوع طلبی، گفتگو دونفره، گفتگوی خانواده ها، سکوت، گذشت و نادیده گرفتن، مشاوری و درمان، شناخت مشکل، تلاش اقتصادی، تلاش تحصیلی، اختلاف، جدایی، فقر اقتصادی، نابسامانی اخلاقی. این سی مفهوم در ۱۳ مقوله دسته بندی گردید (ضعف دلبستگی، ضعف اقتصادی، ضعف سلامت جنسی، پیشینه فردی، هم کفو نبودن، پیشینه خانوادگی، عوامل شخصیتی، عوامل فرهنگی، گفتگو، از خودگذشتگی، مطالعه و درمان، پیشرفت تحصیلی و اقتصادی، فروپاشی و طلاق قانونی یا عاطفی). پس از تعیین پدیده محوری، این سؤال مطرح شد که شرایط علی فرایند ارتباط کلامی ناموفق کدام است. مصاحبه شوندگان شرایط علی ارتباط کلامی ناموفق همسران را ضعف دلبستگی (وابستگی به شبکه‌های اجتماعی، بی مسئولیتی)، ضعف اقتصادی (فقر مالی و اختلاف اقتصادی) و ضعف سلامت جنسی (ناآگاهی جنسی و عاطفی و ارتباط غیر اخلاقی) می دانند. شرایط علی ارتباط کلامی ناموفق به ترتیب زیر مشخص شده است:

شرایط علی ارتباط کلامی ناموفق همسران

شرایط علی	مفاهیم
ضعف دلبستگی	وابستگی به شبکه‌های مجازی
	بی مسئولیتی
ضعف اقتصادی	فقر مالی
	اختلاف اقتصادی
ضعف سلامت جنسی	ارتباط غیر اخلاقی
	ناآگاهی جنسی و عاطفی

با توجه به اطلاعات، دیدگاه‌ها و تجربیات مشارکت کنندگان مشخص شد که همسران برای حل مسئله و برخورداری از میزان مطلوب ارتباط کلامی از گفتگو (گفتگو دونفره، گفتگوی

خانواده‌ها)، از خود گذشتگی (سکوت، گذشت و نادیده گرفتن)، مطالعه و درمان (مشاوره و درمان، شناخت مشکل)، پیشرفت تحصیلی و اقتصادی (تلاش اقتصادی و تلاش تحصیلی) برای اصلاح ارتباط سود می‌برند. راهبردها برای بهبود ارتباط کلامی به ترتیب زیر مشخص شده است:

راهبردهای همسران برای بهبود ارتباط کلامی

مفاهیم	راهبردها
گفتگو دونفره	گفتگو
گفتگوی خانواده ها	
سکوت	از خودگذشتگی
گذشت و نادیده گرفتن	
مشاوره و درمان	مطالعه و درمان
شناخت مشکل	
تلاش اقتصادی	پیشرفت تحصیلی و اقتصادی
تلاش تحصیلی	

فرایند ارتباط کلامی ناموفق، تحت تأثیر سه عامل زمینه ای پیشینه فردی (بیماری روحی روانی؛ سابقه اعتیاد)، هم کفو نبودن تفاوت اقتصادی، تفاوت فرهنگی و تفاوت اقلیمی) و پیشینه خانوادگی (داغ خانواده پدری، وابستگی به خانواده پدری) قرار دارد که بستر نامناسبی برای زندگی زناشویی و خانواده فراهم می‌آورد. شرایط زمینه ای ارتباط کلامی ناموفق به ترتیب زیر مشخص شده است:

شرایط زمینه ای ارتباط کلامی ناموفق همسران

مفاهیم	شرایط زمینه ای
بیماری روحی روانی	پیشینه فردی
سابقه اعتیاد	
تفاوت اقتصادی	هم کفو نبودن
تفاوت فرهنگی	
تفاوت اقلیمی	
داغ خانواده پدری	پیشینه خانوادگی
وابستگی به خانواده پدری	

این عوامل تحت تأثیر عامل دیگری نیز قرار داشت که نقش عامل مداخله ای را ایفا می‌کرد. طبق نتایج، عوامل شخصیتی (پرخاش، بی‌اعتمادی، دروغ) عوامل فرهنگی (ترس از خیانت و تنوع طلبی) در کنار عوامل زمینه ای می‌تواند مانع کاربرد راهبردهای مورد نظر همسران برای ایجاد ارتباط کلامی کارآمد باشد. شرایط مداخله‌گر ارتباط کلامی ناموفق به ترتیب زیر مشخص شده است:

شرایط مداخله‌گر ارتباط کلامی ناموفق زوجین

شرایط مداخله‌گر	مفاهیم
عوامل شخصیتی	پرخاش
	بی‌اعتمادی
	دروغ
عوامل فرهنگی	ترس از خیانت
	تنوع طلبی

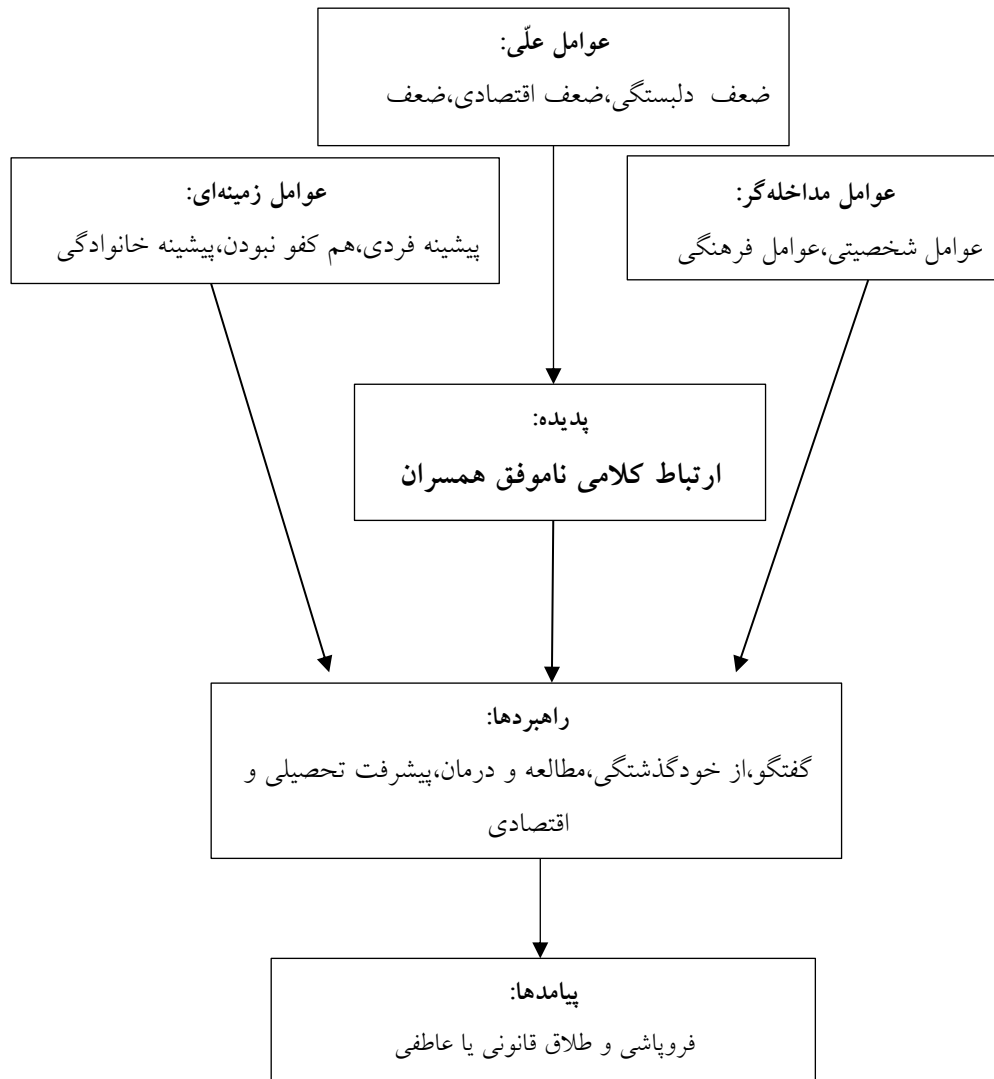
با توجه به دیدگاهها و تجربیات مشارکت کنندگان فرایند ارتباط کلامی ناموفق باعث فروپاشی و طلاق (اختلاف، جدایی، فقر اقتصادی، نابسامانی اخلاقی) در بین زوجین می‌شود. پیامد ارتباط کلامی ناموفق به ترتیب زیر مشخص شده است:

پیامدهای ارتباط کلامی ناموفق همسران

پیامدها	مفاهیم
فروپاشی و طلاق	اختلاف
	جدایی
	فقر اقتصادی
	نابسامانی اخلاقی

الگوی پارادایمی

الگوی پارادایمی ارتباط کلامی ناموفق همسران



همانطور که الگو نشان میدهد، مقوله ارتباط کلامی ناموفق همسران محور و مرکز پدیده ارتباط کلامی است. شرایط علی باعث ضعف دل بستگی، ضعف اقتصادی، ضعف سلامت جنسی می شود. همچنین عوامل شخصیتی و عوامل فرهنگی به عنوان مداخله گر هستند و پیشینه

فردی، هم کفو نبودن، پیشینه خانوادگی به عنوان زمینه ای محسوب می شود. راهبردهایی که مصاحبه شوندگان ارائه داده اند، گفتگو، از خودگذشتگی، مطالعه و درمان، پیشرفت تحصیلی و اقتصادی بوده است. فروپاشی و طلاق قانونی یا عاطفی از آثار و پیامدهای ارتباط کلامی ناموفق می باشد.

۵. بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر، با هدف تحلیل عوامل اجتماعی و فرهنگی بازدارنده ارتباط کلامی همسران در شهر تهران از طریق ابزار گراندد تئوری نگاشته شده است. گراندد تئوری یا نظریه داده بنیاد یک ابزار تحقیق کیفی است که برای نظریه پردازی پیرامون پدیده مورد مطالعه استفاده می شود. این پژوهش از نظریه های ارتباطات، خانواده و نظریه های عوامل اجتماعی و فرهنگی بازدارنده ارتباط بهره برده است.

یافته ها در مدل نهایی نشان داد، ارتباط کلامی ناموفق همسران، به عنوان مقوله مرکزی تعیین شد. همسران د رمصاحبه خود شرایط علی را که باعث ارتباط ناموفق بین زوجین می شود را ضعف دلبستگی، ضعف اقتصادی، ضعف سلامت جنسی. می دانستند. همچنین عوامل شخصیتی و عوامل فرهنگی به عنوان مداخله گر هستند و پیشینه فردی، هم کفو نبودن، پیشینه خانوادگی به عنوان زمینه ای محسوب می شود. راهبردهایی که مصاحبه شوندگان ارائه داده اند، گفتگو، از خودگذشتگی، مطالعه و درمان، پیشرفت تحصیلی و اقتصادی بوده است. فروپاشی و طلاق قانونی یا عاطفی از آثار و پیامدهای ارتباط کلامی ناموفق می باشد.

پژوهش حاضر از چندین جهت با پژوهش های گذشته متفاوت است (۱) تأکید بر ارتباط کلامی خانواده دارد (۲) رویکر پژوهش کیفی است (۳) نگاه به ارتباطات اجتماعی و جامعه شناختی است (۴) تحلیل کیفی تعیین کننده های مؤثر بر ارتباطات کلامی خانواده در مدل نظریه زمینه ای انجام می شود که با تحلیل علل و عوامل و شرایط مختلف پیدایش و آثار و نتایج و راهبردها همراه است و پژوهش های گذشته با این روش به این موضوع نپرداخته اند. شناخت عوامل بازدارنده ارتباط کلامی موفق می تواند در ارائه اطلاعات لازم برای آموزش تداوم ارتباط کارآمد به زوجها و نیز در ارائه مداخلات مناسب برای همسرانی مؤثر واقع شود که دچار ناکارآمدی ارتباط زناشویی هستند. برای ارتباط موفق باید همگرایی و تعامل گرایی تقویت و آموزش داده شود. "همگرایی" بستر مساعدی برای شکوفایی و خلاقیت اعضای خانواده است

و "واگرایی" به نوع خود طرحی از خانواده را درمی‌افکند که همچون دو حوزه جداگانه شاهد به هدر رفتن انرژی‌های زندگی است که صرف اصطکاک و تقابل می‌شود. هر زوج باید دیگری را با رفاقت پذیرش کند و جایگاه او را در زندگی حفظ نماید. برای برقراری رابطه مطلوب عاطفی، توجه کردن در دو بخش کلامی و غیرکلامی نقش اساسی دارد. در نهایت بر اساس نتایج این پژوهش به نظر می‌رسد برای ایجاد و تداوم ارتباط کلامی کارآمد، توجه به راهبردهای درونی و بیرونی از سوی همسران ضروری است. اقتصاد و معیشت، مدیریت عواملی چون زمان، اوقات فراغت، مداخله اطرافیان و مصرف رسانه‌ای راهبردهای بیرونی است. موقعیت‌شناسی، نشاط فردی، سعه صدر و مشورت‌پذیر بودن از جمله راهبردهای درونی است که همسران می‌بایست مورد توجه قرار دهند.

۶. پیشنهادها

الف) پیشنهادهای کاربردی:

برای ارتباط موفق باید همگرایی و تعامل گرایی تقویت و آموزش داده شود. هر زوج باید دیگری را با رفاقت پذیرش کند و جایگاه او را در زندگی حفظ نماید. برای برقراری رابطه مطلوب عاطفی، توجه کردن در دو بخش کلامی و غیرکلامی نقش اساسی دارد.

بر اساس نتایج این پژوهش به نظر می‌رسد برای ایجاد و تداوم ارتباط کلامی کارآمد توجه به راهبردهای درونی و بیرونی از سوی همسران ضروری است. اقتصاد و معیشت، مدیریت عواملی چون زمان، اوقات فراغت، مداخله اطرافیان و مصرف رسانه‌ای راهبردهای بیرونی است. موقعیت‌شناسی، نشاط فردی، سعه صدر و مشورت‌پذیر بودن از جمله راهبردهای درونی است که همسران می‌بایست مورد توجه قرار دهند.

ب) پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

پیشنهاد می‌گردد، پژوهشگران بعدی مشابه این پژوهش را در شهرهای دیگر انجام دهند.

پیشنهاد می‌گردد، پژوهشگران بعدی مشابه این پژوهش را در مناطق روستایی کشور انجام

دهند.

منابع

- اکبری گوابری، بهمن؛ فرگت، ازاده؛ علی خواه، ساناز و مجیدی ملیناز (۱۳۹۸). نقش سرمایه اجتماعی و روانشناختی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زوجین. فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، دوره ۹، شماره ۳۳.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- پیرساقی، فهیمه؛ زهراکار، کیانوش؛ کیامنش، علیرضا؛ محسن زاده، فرشاد؛ و حسنی، جعفر (۱۳۹۶). شاخص‌های ارتباط زناشویی کارآمد: یک مطالعه کیفی. دو فصلنامه مشاوره کاربردی، دوره ۷.
- جوادی، بهناز سادات؛ افروز، غلامعلی و حسینیان (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی و تعاملات عاطفی با رویکرد ارزش‌های دینی بر رضایت زناشویی نشریه روانشناسی خانواده. سال دوم. شماره ۲.
- جولیا، وود (۱۳۷۹). ارتباطات میان فردی؛ روان‌شناسی تعامل اجتماعی. ترجمه مهرداد فیروزبخت. نشر مهتاب.
- جابری، سمیه؛ اعتمادی، عذرا و احمدی، سیداحمد (۱۳۹۴). بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی با صمیمیت زناشویی. مجله پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری. سال ۵، شماره ۲.
- رشیدی، علیرضا؛ نقشینه، طیبه؛ شریفی، کسری (۱۳۹۵). رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق در کرمانشاه، دو فصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، شماره ۲ (۱۱) / ۶۶-۷۸.
- رحمانی، مریم؛ کیمیایی، سید علی و اصغری ابراهیم آباد، محمد جوادی (۱۳۹۷). بررسی نقش روابط کلامی غیر کلامی در پیش‌بینی ترس از صمیمیت زوجین. دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، مشاوره، تعلیم تربیت، مشهد: موسسه آموزش عالی شان‌دیز، https://www.civilica.com/Paper-ICPCE02-ICPCE02_478.html.
- شاه محمدی، معصومه، عبدالله میرزایی، رسول، ارشدین، عمت‌الله (۱۳۹۰). مطالعه تاثیر دیدگاه بی‌نظمی بر درک دبیران شیمی از مفهوم آنتروپی؛ مطالعات برنامه درسی سال ششم، شماره ۲۱.
- عسکری، سعید؛ رشیدی، علیرضا؛ نقشینه، طیبه؛ شریفی، سارا (۱۳۹۴). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق؛ مجله علمی ترویجی رویش روان‌شناسی سال چهارم شماره ۲ (پیاپی ۱۱).

- فولادی، فائزه؛ ازه‌ای، جواد؛ غلامعلی‌لواسانی، مسعود؛ برزگرکهنمویی، ساناز؛ جلوانی، راضیه (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر بهبود کیفیت زندگی زنان متأهل. فصلنامه آموزش و ارزیابی. شماره ۲۱. صفحه ۱۲۷-۱۴۱.
- کردبچه، شیرین و عارفی، مژگان (۱۳۹۶). بررسی نقش الگوهای ارتباطی خانواده در پیش‌بینی خیانت زناشویی زنان شهر اصفهان. چهارمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری، تهران. <https://civilica.com/doc/670591>
- میکائیلی، نیلوفر؛ رحیمی، سعید و صداقت، مهرناز (۱۳۹۷). نقش الگوهای ارتباطی خانواده. ساختار انگیزشی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در پیش‌بینی طلاق هیجانی زوجین. فصلنامه آسیب‌شناسی. مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۴، شماره ۱.
- محمودپور، عبدالباسط؛ دهقانپور، ثنا؛ ایجادی، سحر و یوسفی، ناصر (۱۳۹۹). پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زنان بر اساس ذهن آگاهی، الگوهای حل تعارض، حمایت اجتماعی ادراک شده و هزستی اجتماعی. فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، شماره ۳۹.
- مهدی زاده، سیدمحمد؛ علیمحمدی، محبوبه (۱۳۹۷). بازنمایی خانواده و طبقه مبتنی بر الگوی مصرف: روایتی از دوره پیش از انقلاب در سریال کیمیا. فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۱۴، شماره ۵۳.

- Celińska-Miszczuk, A., Wiśniewska, L. (2014). Komunikacja w rodzinie: OD interakcji do osobowej relacji (perspektywa personalistyczna), *Pedagogia Christiana*, 2 (32), 203-2018, doi: <http://dx.doi.org/10.12775/PCh.2013.033>
- Chmielowska-Marmucka, A. (2015). O komunikacji interpersonalnej-werbalnej, niewerbalnej wokalne wymianie sygnałów w kontekście edukacyjnym, *Problemy Współczesnej Pedagogiki*, 1 (1), 25-39
- Ben-Nun, L. (2017). Communication Pattern of the Great Leader Moses. BN Publication House. Israel.
- Tarhan, S. (2012). the prediction of hope from self-efficacy, perceived social support and personality traits. Unpublished doctoral thesis, Gazi University, Ankara, Turkey.
- Salifu, A. A. (2009). Style of communication and marital adjustment of educated couples in Ankpa, Kogi State. Unpublished undergraduate research work, Counsellor Education Department, University of Ilorin.
- Willbur Schramm (1978), "Anout Come Study of short - Term Communication Training with marrid Couple", *Jornal of counsulting and clinical Psychology*, ag, 205.